

میراث تباری سامان خودات

حتی قبل از استیلا عربها سلاله مربوط به سامان خودات در وجود بابا کلانش بهرام چوبین در محدوده بلخ حضور فعال داشت. قسمیکه گفته آمد، آتشکده نوبهار و ملکیت های (زمین های) اطراف آن از جمله تعلقات برمکیان محسوب میگردید. بنابر تاکید بعضی از منابع برمکیان با سامانیان دارای منشاء مشترک تباری بوده و بمثابة نوادگان قبل از اسلام یابگو های بلخ یعنی جبهه خان شمرده میشدند. (88)
[Бартольд 1966: 669 – 674]. [Махмуд ибн Вали: 315a]

جبهه خان حکمران بلخ در نزدیکی روستا اش واقع حومه بلخ روستائی برای پسرش بنا نهاده آن را بنام روستاء سامان (قریه سامان) مسمی کرد. درعین زمان اطراف (محوطه) روستاء متذکره را بادیوار های بلندو مستحکم احاطه و با روستا خودش متصل نمود. یعنی بدین ترتیب شجره سامان خودات از اجدادش جبهه خان طور میراث به قطعیت گرفته شد. گفته شده است که جبهه خان بر علاوه زمینهای موجود بخاطر تصاحب بعضی از زمینهای برمکیان نیز تلاش ها و دست درازی هایی انجام داد، چنانچه تصاحب قطعه زمینی به مساحت (8 x 4) فرسخ واقع رستاق تخارستان از جمله همین اقدامات شمرده میشود.

[Togan 1969: 283]. [Ibn Haukal: 428; Jacut II: 272; Махмуд ибн Вали: 58].

در بعضی از منابع از موجودیت روستائی بنام روستائ برمک در محدوده خراسان یاد آوری شده است جائیکه، برمکلیک جسون بیللیک Barmaklar John Billick یکی از جنگاوران افسانوی اوغوزخان از آن ظهور نمود.

[Щербак 1959: 52].

قسمیکه در فصول قبلی تذکار یافت سامان خودات بعد از استیلا عربها به شهر مرو نزد اسد ابن عبدالله القشیری حکمران آن شهر شتافت و در آنجا بدین اسلام مشرف گردید. او همزمان بپذیرش دین مبین اسلام و به افتخار حکمران آن شهر پسرش را به نام اسد مسمی نمود. متعاقبا از حکمران آن شهر (حکمران مرو)

بخاطر قلع و قمع دشمنانش درتخارستان طالب کمک گردید، او- بعد از تسخیر تخارستان توسط عربها منحیت حکمران بلخ گماشته شد. از معلومات فوق میتوان درک کرد که با روی کار آمدن عباسیان و احیاء مجدد سیستم های حقوقی قبل از اسلام نیاکان سامانیان، سامان خودات از شهر فرغانه وارد بلخ گردید و برحق مالکیت جدانش بهرام چوبین و نواده اش جبهه خان اقامه دعوی نمود. (89) در منابع دیگری گفته شده است که قریه "سامان" جائیکه سامانیان از آن برخاست در نزدیکی های قریه بهارزخ Baharzeh قریه ای که میان شهرهای بلخ و خلم موقعیت دارد واقع شده است.

[Jacut I: 13; Dictionnaire: 297], [Ibn Khordadbeh: 34; ac-Сам'ани VII: 236; Jacut I: 767].

اساسات دقیقی وجود دارد مبنی بر اینکه گفته شود هرگاه، اگر تعلقات (ملکیت) های برمک و سامان خودات همجوار هم قرار نداشت، حداقل در فواصل نه چندان دور از همدیگر موقعیت داشت. در عین زمان در بعضی از منابع تاریخی ظهور و پیدایش سامانیان با نام شهری بنام سمندگان یا سیمینجان واقع تخارستان نسبت داده میشود. شهریکه در مراحل قبل از اسلام یکجا با شهر "رب، روب" واحد اداری را تشکیل میداد، قلمروکه "روب خان" خاقان ترک منحیت فرمانداران سرزمین شمرده میشد.

گفته شده است که در قرن IX باشندگان سمندگان خود را از تبار ترکان و شهرشان را زادگاه سامانیان میپنداشتند.

[at-Tabarī II: 1219]. [Борис II: 297; Хакимов 1983: 153].

برمینی گواهی منابع دیگری روستاء سامان که سامانیان از آن ظهور نموده اند در حوالی سمرقند و یا هم ترمیز موقعیت دارد. اما، حسب نقل قول های سینه یه سینه (گفته های شفاهی) ظهور سامانیان با نام روستاء سامان بورون (سالبورون) واقع قسمت جنوب غربی ولسوالی دولت آباد کنونی گفته شده است.

[*al-Moqaddasī*: 337 – 338; *Jacut III*: 13] [*Семенов 1955*: 3 – 11].

[*Салахетдинова 1970*: 225].

در قرون وسطائی از موجودیت روستاهائی بنام "سامان" در شهرهای بخارا، ری، اصفهان، ختلان و در کشور های هند و سوریه نیز اشاره گردیده است.

[*ас-Саолибий 1976*: 219, 531], [*at-Tabarī II*: 992; *Jacut III*: 13; *Dictionnaire*: 297; *Zambaur 1968*: 136], [*Рашид ад-дин 1946 I (2)*: 218], [*Wallis Budge 1976 I*: 251] [*Гийасадин: 186*].

در ادوار قدیم یکی از محله های شهر اصفهان بنام "سامان" نامیده شده است. در حالیکه در شهر هرات یک روستا و در استان دهستان چندین روستا به عین نام نامیده شده اند. ضمناً قابل یادآوریست که بعضی ازین روستا ها حسب اصطلاح ترکی یعنی بشکل "سامانلو" گفته شده اند. در حالیکه بخش های کوهی شمال ترکیه به نام "سامانلی" نامیده شده است.

[*al-Hazimi*: 208], [*Dehkhoda VIII*: 11770 – 11771], [*TA XXVIII*: 93].

بناء بادر نظر داشت معلومات فوق میتوان گفت که توپونومی "سامان" در قرون وسطی در آسیای میانه و در خارج از محدوده آن عمومیت داشته است، اما، به هیچ وجه نمیتوان به هم پیوندی آنها در کلیه حالات و مراحل دلالت قاطع نمود. اما فقط روی یک مسئله میتوان با قاطعیت صحه گذاشت و آن اینکه، سامان خودات موسس و بنیان گذار حداقل چندین روستا و قراء در قلمرو مربوطه بوده است، روستاهائیکه نام شان پیوند کلی با نام سامان دارند.

علاوه باید نمود محلاتیکه نام شان با نام و تبار سامانیان پیوند داده میشود در مراحل قبل از اسلام منحیث مراکز عبادات و نیایش بودائی ها بوده است، چنانچه تعدادی کثیری از آبدیه ها، آتشکده ها و صومعه ها شامل مکانهای مذکور بوده است مثلاً آتشکده و صومعه بودائی "نوبهار" واقع بلخ، آبدیه بودائی شهر قبا (فرغانه)، صومعه غاری* قره تپه و آبدیه فیاض تپه (واقع ترمیز)، صومعه اجینه تپه (واقع وادی

وخش)، آبدۀ قلعه کافرنهان (واقع ختلان)، کمپلکس بودائی شترملا (واقع قبادیان)، صومعه غاری تخت رستم (واقع اییک سمنگان)، صومعه غاری هزارثم (هزارسم) (واقع سمنگان)، آبدۀ بودائی هدۀ (ادۀ) (واقع جلال اباد) از جمله انها محسوب میشود. (*صومعه ها و آبدۀ های غاری به انگونۀ عبادتگاهائی گفته شدۀ اند که عمدتاً در تیغۀ های کوه ها، در غار ها و حفرۀ های حصارها و دیوارهای بزرگ تاریخی بشکل غارگونه تهیۀ شدۀ و در سطح هموار و در روی زمین قرار نداشتند چنانچہ در بارہ میتوان از صومعہ بودائی توبہار بلخ و صومعہ تخت رستم سمنگان وغیرہ مثال گونه نام برد .س)

در عین حال در قرون وسطی در شہر سمرقند رستاقی وجود داشت بنام Sanjar Fagan سنجر فغان، نام برگرفتہ شدہ از واژہ بودائی Sangharama کہ بمعنی "صومعہ" ترجمہ گردیدہ است.

[*al-Istakhrī: 320, 321; Ibn Haukal: 496, 498; al-Moqaddasī: 266, 279*],

در قرون I – III در سواحل دریای سنزر عبادت گاہ مذہبی وجود داشت، عبادتگاهی کہ مجسمہ بزرگ برونزی بودا کہ توسط شیر های برونزی در حال نشستہ احاطہ گردیدہ بود در وسط عبادت گاہ قرار داشت. در بارہ موجودیت و فعالیت عبادت گاہ بودائی کہ طی قرون V – VII فعالیت داشت در کتیبہ ای کہ در 15 ہمین سالگرد تخریب آن تهیہ شدہ بود سخن گفتہ شدہ است.

[*Литвинский 1975: 191 – 198*]. [*Lapierre 1998: 9*].

در قرون وسطی در محدودہ سمرقند روستائی وجود داشت بنام روستا اشتابدیزہ Ushtabdiza روستائی کہ اسم آن برگرفتہ شدہ از کلمہ سانسیکریتی ستوپہ stuppa کہ بہ معنی "استوپہ بودائی" استعمال شدہ است. در مراحل قبل از اسلام در شہر بخارا در محل، (جای، موقعیت) مسجد ماہ "ماخ" آبدۀ بودائی قرار داشت کہ بودائیان در آن بہ عبادت می پرداختند.

[*ан-Насафи 1991: 118 (№ 190); ан-Насафи 6284: 23R; ас- Сам'ани I: 265*]

[Наршахуй: 102].

بصورت کل میتوان چنین ارزیابی نمود که سامان خودات اسقف زردشتی نه، بل یک معتقد روحانی بودائی بود. وی نه تنها مؤسس روستائی در محدوده بلخ، بلکه بنیان گذار چندین ابده و صومعه بودائی نیز بود. از جانبی او تداوم دهنده عنعنات اجداد و نیاکانش منجمله جد بزرگ اش ایل تیگین(پرمودا) بنیان گذار آبدۀ بودائی کشمیر و یا پدرش جبهه خان بنیان گذار صومعه بودائی نوبهار بلخ بود.

در نوشته های المقدسی از "ترک های سامان" یاد اوری شده است، انانیکه پیرو آئین حنفی بوده و در حوالی گرگان علیه دسته جات دایلمیت های شیعه به جنگ پرداخته بودند.

[Гардизи: 62], [al-Moqaddasī: 358]

گفتنی است که ناشر متن عربی د گویا de Gueye واژه "سامان" را اسم خاص پنداشته آنرا در منابع تاریخی تحت نام "السامی" یا "آل سامان" درج نموده است درحالیکه متعاقبا س. والین واژه متذکره را تحت نام "ترکان سامانی" ترجمه مینماید. [BGA IV: 159]. [ал-Макдиси: 208].

ما معتقدیم معقول خواهد بود که هرگاه واژه "سامان" نه بمفهوم اسم خاص، بل بمثابه اسم مکان یعنی بشکل توپونوم در نظر گرفته شود.(90)

در سائر مقالات و دستنویس های المقدسی واریانت های مقاله "د گویا" هم از لحاظ متن پردازی و هم از لحاظ مفاهیم باشیوه های متفاوت مورد استعمال قرار گرفته است. یعنی دقیقا مفهوم "الترک- من سامان" (یعنی سامان به جای ترک یا بعوض ترک) که بمفهوم "ترکان سامانی" یا (ترکها ی سامان) منعکس گردیده است. گفتنی است که همچو تفاسیر(ترجمه) از لحاظ مفاهیم با ترکیب بندی های بعدی یعنی در یاره محل الدایلم نیز هم آهنگ گردیده است

[al-Moqaddasī: 358, n. L]. [ал-Макдиси: 208].

بناءنکته فوق را بصورت کل میتوان چنین ترجمه و یا تعبیر نمود:
 "...دو لشکر- یکی از الدایلامی AL-Daylami، دیگری ترک های سامان"
 اما، در مقاله المقدسی قبل از همه سخن بر سر قشون ترکان است، قشونیکه
 متشکل از سلسله تباری سامان خودات مربوط به ولایت بلخ بود. در حالیکه
 المقدسی انرا مربوط به ولایت سمرقند میداند.

[al-Moqaddasī: 338].

بنابه گفته ابن النصیر وقایع متذکره در سال 309-310 هجری مطابق به سال های
 921-922 م هنگامیکه یرخورد های مسلحانه میان دیلمیان Daylamites و جورجانی
 ها(گرگانی ها) از یکطرف و قشون سامانیان از طرف دیگر درقسمت های جورجان
 Dzhurdzhen (کرکانی) بوقوع پیوست رخ داده است. قابل تذکر است که در جنگ
 مذکور در راس قشون سامانیان سر لشکرانی بنام های قاره تیگین، سیمجور
 الدعوت Simdzhur al-Dawat، محمد ابن عبدالله الیالمی، ابوجعفر السالوک،
 Hamavayh حماوح ابن علی و خوارزم شاه قرارداشت.
 بعضی ازین افراد از آنجمله قاره تیگین و سیمجور Simdjur احتمالاً از جمله بستگان
 سامانیان و نوادگان ترکان یعنی از جمله نزدیکان سامان خودات بوده اند. حسب
 اظهارات العتبی، الپ تیگین سرلشکر قوای خراسان از جمله نوادگان سامانیان
 شمرده میشود.

[Ибн ал-Асир VIII: 46 – 49]. [ал-‘Утби: 25].

پاورقیها:

88. موجودیت نام برمک مؤسس سلسله برمکیان در میان نامهای قدما (اجداد)
 افسانوی ترک های اوغوزی قابل دقت و توجه مینماید. حسب افسانه های موجود
 در زمان اوغوزخان قبیله کنگلی Kangly توسط شخصی بنام برمکلیک جسون بیللیگ
 Barmaklar John Billig که همزمان رهبر قبیله متذکره پنداشته میشد اداره

میگردید.

[Рашид ад-дин 1987: 38; Togan 1972: 28].

89. حسب قوانین نافذه ساسانیان، بعد از وفات هریک از بزرگ خانواده (نفر اول)، باقیمانده اعضای خانواده بشمول زنان که به عضویت سائر خانواده ها پیوسته باشند با آن هم از حق وراثت که منحیث حق شخصی آن پنداشته میشد مستفید میگردیدند.

[Периханян 1983: 195 – 225].

90. در موارد متباقی، منجمله اثار و نوشته های المقدسی واژه "سامان" بشکل ترکیبی "آل سامان" یعنی سلاله سامانیان گفته شده است. اما در همچو حالات اجزاء اولی آن یعنی "آل" که به معنی سلاله استعمال گردیده است حذف و فقط کلمه "سامان" که احتمالا نام سامان خودات و یاهم موسس روستاء "سامان" باشد اشاره گردیده است. زیرا در باب کنونی عمدتا صحبت بر سر وقایع قرون نهم و دهم و غایه اصلی همانا روستائ "سامان" بوده است.

[al-Moqaddasī: 7, 68, 260, 270, 337, 472],

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک انها میتوان در باره نامهای ذکرشده در ین باب، معلومات آفاقی بدست آورد.
(البته اینهاشامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%DB%8C%D9%84%D9%85%DB%8C%D8%A7%D9%86>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Dailamites>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%94%D0%B5%D0%B9%D0%BB%D0%B5%D0%BC%D0%B8%D1%82%D1%8B>

در باره دایلمیت ها

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%AF%D8%B1%DA%AF%D8%A7%D9%86>

<https://en.wikipedia.org/wiki/Gorgan>

<https://ru.wikipedia.org/wiki/%D0%93%D0%BE%D1%80%D0%B3%D0%B0%D0%BD>

[https://uz.wikipedia.org/wiki/Go%CA%BBrgon_\(shahar\)](https://uz.wikipedia.org/wiki/Go%CA%BBrgon_(shahar))

در باره جورجان یا گرگان